

## از افراد مورد علاقه به جمعیت‌ها: صنعتی‌سازی پروفایلینگ

ظهور پروفایلینگ — از بررسی دستی هدمند افراد «مورد علاقه» خاص به نظارت خودکار و مداوم بر کل جمعیت‌ها — یکی از عمیق‌ترین تحولات در *行使* قدرت، نقش فناوری و مرزهای استقلال فردی را نشان می‌دهد. آنچه زمانی نیازمند تلاش انسانی قابل توجه، اولویت‌بندی نهادی و انتخاب عمدی بود، به زیرساختی یکپارچه تبدیل شده است که داده‌های رفتاری میلیاردها نفر را در زمان واقعی تولید، جمع‌آوری و تحلیل می‌کند، اغلب به عنوان محصول جانبی اتفاقی زندگی روزمره.

این تحول صرفاً توسط فناوری تعیین نشده بود. این تحول از تعامل گسترش بوروکراتیک، بحران‌های امنیتی مکرر، مشوق‌های اقتصادی مرتبط با پول‌سازی داده‌ها و کاهش بی‌وقفه هزینه‌های جمع‌آوری، ذخیره‌سازی و استنتاج داده‌ها ناشی شد. نتیجه نه فقط «نظارت بیشتر»، بلکه رژیم کیفی متفاوتی است: رژیمی که اصطکاک طبیعی را با مقیاس بدون اصطکاک، *discretion* انسانی را با اتوماسیون الگوریتمی و سوءظن استثنایی نسبت به *少数* با مشاهده پایه‌ای نسبت به اکثریت جایگزین می‌کند.

در هسته آن، دگرگونی اساسی نهفته است: پروفایلینگ از حرفه‌ای دستی — انتخابی، پرزحمت و توضیحی — به فرآیند *صنعتی* — جهانی، خودکار و پیش‌بینی‌کننده — تغییر یافته است. آنچه در ادامه می‌آید این تحول را ردیابی می‌کند و لحظاتی را شناسایی می‌کند که در آن‌ها محدودیت‌ها فرسوده شدند و قابلیت‌های جدید به سیستمی از استنتاج مداوم و در سطح جمعیت تبدیل شدند.

### I. پایه‌ها: پروفایلینگ به عنوان تمرین انتخابی و دستی

پروفایلینگ، در ساده‌ترین شکل خود، شامل جمع‌آوری و تفسیر سیستماتیک اطلاعات برای استنتاج ویژگی‌ها، پیش‌بینی رفتار یا تخصیص دسته‌های ریسک است. ریشه‌های آن به اعماق دوران باستان بازمی‌گردد.

امپراتوری‌های باستانی سرشماری‌هایی انجام می‌دادند نه تنها برای مالیات یا سربازی، بلکه برای طبقه‌بندی. مقامات رومی و مدیران امپراتوری چین جمعیت‌ها را بر اساس شغل، وفاداری و *地位* مرتب می‌کردند و نقشه‌های رابطه‌ای اولیه‌ای تولید می‌کردند که می‌توانست تهدیدهای بالقوه را شناسایی کند. نهادهای مذهبی سوابق تولد، ازدواج، اعترافات و رفتار اخلاقی را نگهداری می‌کردند و گراف‌های اجتماعی اولیه‌ای می‌ساختند که شبکه‌های نفوذ و انحراف را آشکار می‌کرد.

با این حال، این سیستم‌ها دارای محدودیت تعریف‌کننده‌ای بودند: **اطلاعات گران بود**. جمع‌آوری، تأیید، ذخیره و تفسیر داده‌ها نیازمند کار انسانی قابل توجه بود. در نتیجه، پروفایلینگ **انتخابی**، **episodic** و **محدود** باقی ماند. آن بر نخبگان، مخالفان یا گروه‌های استراتژیک تمرکز داشت — نه بر کل جمعیت‌ها.

این انتخابی بودن حتی با گسترش دستگاه نظارت دولت‌ها در اروپا مدرن اولیه ادامه یافت. تلاش‌های اطلاعاتی هر *etics*، رقبای سیاسی، قاچاقچیان و عوامل خارجی را از طریق خبرچینان، رهگیری مکاتبات و نظارت فیزیکی هدف قرار می‌داد. «اتاق‌های سیاه» (**cabinets noirs**) فرانسه و دیگر کشورها این رویکرد را تجسم می‌بخشیدند: تیم‌هایی از منشی‌ها که

نامه‌ها را دستی باز می‌کردند، کپی می‌کردند و دوباره مهر و موم می‌کردند تا تحویل دهند. این عملیات ذاتاً محدود بودند. آنها بر اهداف با ارزش بالا تمرکز داشتند زیرا هر چیز گسترده‌تری از نظر لجستیکی غیرممکن بود.

حتی در این مرحله، قدرت **متاداده** به وضوح درک شده بود. اطلاعات در مورد ارتباط — فرستنده، گیرنده، زمان‌بندی و مسیر — می‌توانست شبکه‌ها و 意图 را بدون نیاز به دسترسی به محتوا آشکار کند. رسوایی جاسوسی اداره پست بریتانیا در سال ۱۸۴۴ این موضوع را به شدت در کانون توجه عمومی قرار داد. انقلابی ایتالیایی جوزپه مازینی، تبعیدی در لندن، مشکوک بود که نامه‌هایش توسط مقامات به درخواست قدرت‌های خارجی باز می‌شود. او و حامیانش دانه‌های خشخاش و دانه‌های شن را داخل پاکت‌ها به عنوان نشانگر قرار دادند؛ وقتی نامه‌ها مختل شده رسیدند، مازینی نماینده رادیکال توماس دانکامب را وادار کرد موضوع را در پارلمان مطرح کند. رسوایی بعدی نشان‌دهنده باز کردن سیستماتیک نامه‌ها تحت دستورات صادر شده توسط وزیر کشور سر جیمز گراهام بود که خشم، تحقیقات پارلمانی و در نهایت لغو دپارتمان مخفی اداره پست را برانگیخت. این یکی از اولین وحشت‌های حریم خصوصی مدرن بود و تأکید کرد که چگونه تنها داده‌های رابطه‌ای می‌تواند شبکه‌های ارتباط را از بین ببرد.

در پاسخ، هنجارهای قانونی مانند «رازداری مکاتبات» (**Briefgeheimnis, secret de la correspondance**) ظاهر شد. این اصول استفاده از داده‌های ارتباطی را دقیقاً به اهداف عملیاتی مانند تحویل محدود می‌کرد و بهره‌برداری ثانویه برای نظارت یا پروفایلینگ را ممنوع می‌کرد. ایده زیربنایی ساده اما عمیق بود:

داده‌هایی که برای عملکرد خاصی تولید شده‌اند نباید برای ساخت پروفایل‌های گسترده‌تر از افراد یا شبکه‌ها استفاده مجدد شوند.

این اصل قرن‌ها طنین‌انداز خواهد شد — اما در نهایت تحت فشار فناوری و نهادی فرسوده خواهد شد.

## II. قرن بوروکراتیک: مقیاس‌پذیری بدون اتوماسیون

قرن بیستم پروفایلینگ را به طور چشمگیری گسترش داد در حالی که بسیاری از محدودیت‌های قبلی خود را حفظ کرد. **demands** جنگ تمام‌عیار نیازمند جمع‌آوری اطلاعات بی‌سابقه بود. سانسور پست، اطلاعات سیگنال و شکستن کد نظارت را فراتر از نخبگان به جمعیت‌های وسیع‌تر گسترش داد. نهادهایی مانند آژانس امنیت ملی رهگیری در مقیاس بزرگ را نهادینه کردند، در حالی که آژانس‌های داخلی پرونده‌های گسترده‌ای در مورد گروه‌های سیاسی، رادیکال‌های مشکوک و شبکه‌های جنایی تهیه کردند.

با این حال، پروفایلینگ اساساً **هدفمند** باقی ماند. شنود تلفن‌ها به افراد یا خطوط خاص وابسته بود. پرونده‌های اطلاعاتی توسط تحلیل‌گران انسانی مدیریت می‌شد. حتی با افزایش حجم، **توجه انسانی همچنان گلوگاه بود.**

سیستم‌های کامپیوتری اولیه (۱۹۵۰-۱۹۷۰) شروع به تغییر مقیاس نگهداری سوابق کردند. دولت‌ها و شرکت‌ها فهرست‌های رفاه، تاریخچه اعتباری و پایگاه‌های داده جنایی را دیجیتالی کردند و امکان بازیابی و ارجاع متقاطع سریع‌تر را فراهم کردند. اما این سیستم‌ها هنوز بر **سوابق گسسته** عمل می‌کردند، نه جریان‌های مداوم رفتار.

تا دهه ۱۹۷۰، نگرانی‌ها در مورد «بانک‌های داده» متمرکز پاسخ‌های قانونی را برانگیخت. قانون حریم خصوصی ایالات متحده ۱۹۷۴ و قوانین اولیه حفاظت از داده‌های اروپایی اصول محدودیت هدف، حداقل‌سازی داده و شفافیت را معرفی کردند. این چارچوب‌ها منطق رازداری مکاتبات را به عصر دیجیتال گسترش دادند.

با این حال، آنها بر فرض حیاتی ساخته شده بودند: اینکه جمع‌آوری داده محدود و **episodic** است. آنها سوابق را تنظیم می‌کردند — نه جریان‌ها. این فرض به زودی فرو خواهد پاشید.

### III. نقطه عطف: از سوابق به داده‌های زائد

شکست قطعی در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ با ظهور اینترنت رخ می‌دهد — نه صرفاً به عنوان رسانه ارتباطی، بلکه به عنوان زیرساختی که به طور مداوم داده تولید می‌کند.

سیستم‌های دیجیتال داده‌های زائد تولید می‌کنند: متاداده‌ای که به طور خودکار به عنوان محصول جانبی فعالیت معمولی ایجاد می‌شود. هر اتصال، جستجو، کلیک و حرکت آثاری تولید می‌کند که می‌توان با هزینه ناچیز ثبت، ذخیره و تحلیل کرد.

این نشان‌دهنده تغییر قطعی است:

پروفایلینگ از فعالیتی که بر روی داده انجام می‌شود متوقف می‌شود و به زیرساختی تبدیل می‌شود که آن را به طور مداوم تولید می‌کند.

ارائه‌دهندگان خدمات اینترنت لاگ‌های اتصال، پرس‌وجوهای DNS و اطلاعات مسیریابی را ثبت می‌کنند و الگوهای رفتاری را حتی بدون دسترسی به محتوا آشکار می‌کنند. برخلاف متاداده پستی — گذرا و غیرمتمرکز — متاداده دیجیتال پایدار، متمرکز و به راحتی قابل جستجو است.

بر روی این زیرساخت، پلتفرم‌هایی مانند گوگل و متا پروفایلینگ را به مدل اقتصادی اصلی تبدیل کردند. موتورهای جستجو 意图 را ثبت می‌کنند؛ شبکه‌های اجتماعی روابط را نقشه‌برداری می‌کنند؛ اکوسیستم‌های موبایل حرکت را ردیابی می‌کنند. ردیاب‌های جاسازی شده دید را در بخش‌های وسیعی از وب گسترش می‌دهند. پیکسل‌های ردیابی متا که تقریباً در یک سوم وب‌سایت‌های محبوب جهان وجود دارد، فعالیت را بسیار فراتر از پلتفرم‌های خود نظارت می‌کند و اغلب سیگنال‌های حساس از زمینه‌های سلامت، مالی یا سیاسی را ثبت می‌کند.

درک حیاتی در این محیط ظاهر می‌شود:

محتوا تا حد زیادی زائد می‌شود. در بسیاری از موارد، الگوهای رابطه‌ای نه تنها proxies برای معنا هستند — بلکه از نظر تحلیلی مفیدتر از خود محتوا هستند.

متاداده نه تنها نشان می‌دهد که ارتباط رخ داده است؛ بلکه امکان بازسازی احتمالاتی محتوا را فراهم می‌کند. اینکه چه کسی با چه کسی، کی، چند بار و در چه زمینه گسترده‌تری ارتباط برقرار می‌کند می‌تواند به شدت آنچه را که در حال ارتباط است محدود کند. اطلاعات عمومی موجود — وابستگی‌های مشترک، نقش‌های حرفه‌ای، موقعیت‌های سیاسی، پیوندهای اجتماعی — فضای تفسیرهای plausible را بیشتر تنگ می‌کند.

با گذشت زمان، این محدودیت‌ها پیش‌بینی‌کننده می‌شوند. متاداده نه تنها توصیفی است؛ بلکه مولد است. آن صرفاً همراه محتوا نیست — بلکه اغلب می‌تواند آن را تقریبی یا استنتاج کند، به ویژه هنگامی که در مقیاس بزرگ تجمیع شود.

جستجوهای وب 意图 را آشکار می‌کنند. فرکانس ارتباط قدرت رابطه را نشان می‌دهد. هم‌مکانی ارتباط را آشکار می‌کند. در مقیاس کافی، این سیگنال‌ها به مدل‌های رفتاری بسیار دقیق همگرا می‌شوند که اغلب دسترسی مستقیم به محتوا را

غیرضروری می‌کنند.

سیستم‌های شرکتی رفتار را برای پول‌سازی بهینه می‌کنند؛ سیستم‌های دولتی آن را برای کنترل محدود می‌کنند — اما هر دو به همان ماشین‌آلات زیربنایی تکیه دارند: پیش‌بینی از طریق استنتاج رفتاری در مقیاس بزرگ.

## IV. هویت بدون فرار: لنگرهای پایدار

ویژگی تعریف‌کننده پروفایلینگ صنعتی ظهور هویت پایدار است.

سیستم‌های قبلی به شناسه‌های mutable — نام‌ها، اسناد، آدرس‌ها — وابسته بودند که می‌توانستند تغییر یا پنهان شوند. سیستم‌های مدرن هویت را از طریق سیگنال‌های هم‌پوشان بازسازی می‌کنند:

- اثر انگشت دستگاه
- الگوهای رفتاری
- گراف‌های اجتماعی
- نشانگرهای بیومتریک (چهره، راه رفتن، صدا)

تصاویر به اشتراک گذاشته شده عمومی به عنوان لنگرهای بادوام عمل می‌کنند. حتی زمانی که افراد حساب‌ها را تغییر می‌دهند یا نام‌های مستعار اتخاذ می‌کنند، سیستم‌های تشخیص چهره — به ویژه در زمینه‌های دولتی یا اطلاعاتی — می‌توانند هویت‌ها را در سراسر مجموعه‌های داده دوباره متصل کنند. هم‌وقوع در عکس‌ها یا رویدادهای مشترک روابط استنتاج‌شده را بیشتر تقویت می‌کند.

پیامد آن عمیق است:

هویت دیگر چیزی نیست که فرد اعلام کند، بلکه چیزی است که به طور مداوم استنتاج می‌شود.

این بسیاری از اصطکاک‌هایی را که قبلاً نظارت را محدود می‌کرد از بین می‌برد. شناسایی به هیچ سیگنال واحدی وابسته نیست؛ بلکه از redundancy در بسیاری از آنها ناشی می‌شود.

## V. ادغام: از نقاط داده به هستی‌شناسی‌ها

اوج این تکامل ادغام داده است: یکپارچه‌سازی مجموعه‌های داده پراکنده در سیستم‌های تحلیلی متحد.

پلتفرم‌هایی مانند Palantir Technologies سوابق دولتی، تراکنش‌های مالی، فعالیت رسانه‌های اجتماعی، داده‌های مکان و متاداده ارتباطات را در مدل‌های منسجم افراد و شبکه‌ها جمع می‌کنند. این سیستم‌ها هستی‌شناسی‌های پویا می‌سازند که به تحلیل‌گران اجازه می‌دهد روابط را جستجو کنند، الگوها را تشخیص دهند و پیش‌بینی‌ها تولید کنند.

مثال ملموس این تغییر را نشان می‌دهد. در اجرای قوانین مهاجرت، ابزار Enhanced Leads Identification and Targeting for Enforcement (ELITE) شرکت Palantir نقشه‌ها را با اهداف بالقوه پر می‌کند و از سوابق ویزا، داده‌های اشتغال، متاداده تلفن، ارتباطات اجتماعی و حتی اطلاعات آدرس از Medicaid یا HHS برای تخصیص «امتیاز اطمینان آدرس» و تولید پرونده‌ها استفاده می‌کند. افسران می‌توانند محله‌های «غنی از هدف» را برای عملیات شناسایی

کنند و افراد را نه تنها بر اساس شواهد مستقیم، بلکه به این دلیل که **امضای رفتاری و رابطه‌ای** آنها شبیه موارد شناسایی شده قبلی است، علامت‌گذاری کنند. ادغام مشابه در ابزارهایی مانند ImmigrationOS ظاهر می‌شود که تاریخ سفر، بیومتریک و داده‌های اجتماعی را برای اولویت‌بندی یکپارچه می‌کند.

سوءظن دیگر کشف نمی‌شود — بلکه تولید می‌شود.

پروفایلینگ واقعیت را صرفاً مستند نمی‌کند؛ بلکه آن را به طور فعال از طریق برجسته کردن ارتباطات احتمالاتی که عملیاتی و قابل اجرا می‌شوند، می‌سازد.

## VI. از توضیح به پیشگیری پیش‌دستانه

پروفایلینگ سنتی عمدتاً **retrospective** بود. آن به دنبال توضیح اقدامات گذشته بود — چه کسی جنایت مرتکب شد، چه کسی توطئه سازماندهی کرد، چه کسی تهدید بود.

پروفایلینگ صنعتی پیش‌بینی‌کننده و پیش‌دستانه است. آن شناسایی می‌کند:

- چه کسی ممکن است جنایت مرتکب شود
- کجا ممکن است جنایت رخ دهد
- چه کسی ممکن است بدهی نکند، رادیکالیزه شود یا منحرف شود

این منطق اغلب با **vision** نشان داده شده در **Minority Report** مقایسه می‌شود، جایی که افراد قبل از ارتکاب جنایت دستگیر می‌شوند. در حالی که سیستم‌های معاصر فاقد پیش‌بینی قطعی هستند، شباهت ساختاری واضح است: ابزارهای پلیس پیش‌بینی‌کننده داده‌های تاریخی، تماس‌های ۹۱۱، خوانندگان پلاک و سیگنال‌های اجتماعی را تحلیل می‌کنند تا «لیست‌های داغ» یا امتیازهای ریسک تولید کنند.

سیستم‌های مدرن بر احتمال کار می‌کنند. افراد نه به این دلیل که عمل خواهند کرد، بلکه به این دلیل که از نظر آماری شبیه کسانی هستند که عمل کرده‌اند، علامت‌گذاری می‌شوند.

تغییر ظریف اما عمیق است:

افراد دیگر عمدتاً بر اساس اقداماتشان قضاوت نمی‌شوند، بلکه بر اساس موقعیتشان در چشم‌انداز احتمالاتی.

سوءظن ساختاری می‌شود — به طور مداوم تولید می‌شود نه اینکه توسط رویدادهای گسسته تحریک شود.

## VII. قانون در عصر استنتاج

چارچوب‌های قانونی مانند مقررات حفاظت از داده عمومی (GDPR) سعی می‌کنند از طریق رضایت، شفافیت و حداقل‌سازی محدودیت‌هایی اعمال کنند. با این حال، با محدودیت‌های ساختاری مواجه هستند.

بیشتر سیستم‌های قانونی داده را به عنوان شیء تنظیم می‌کنند. پروفایلینگ مدرن قدرت خود را از روابط و استنتاج‌ها می‌گیرد که تعریف، مشاهده یا محدود کردن آنها بسیار دشوارتر است.

چالش‌های اضافی شامل موارد زیر است:

- جریان‌های مداوم داده در سراسر حوزه‌های قضایی
- استثناهای گسترده برای امنیت ملی و «منافع مشروع»
- سیستم‌های الگوریتمی مبهم که در برابر نظارت مقاوم هستند

نتیجه عدم تطابق مداوم است:

چارچوب‌های قانونی طراحی شده برای عصر سوابق در تلاش برای حاکمیت بر عصر استنتاج پیش‌بینی‌کننده مداوم هستند.

## VIII. عدم تقارن قدرت

پروفایلینگ صنعتی عدم تعادل ساختاری ایجاد می‌کند.

افراد از طریق مشارکت در زندگی مدرن به طور مداوم داده تولید می‌کنند. اجتناب ممکن است اما پرهزینه و ناقص. در عین حال:

- شرکت‌ها سیستم‌های مبهم را با حفاظت از رازداری حفظ می‌کنند
- دولت‌ها از طریق اقتدار قانونی یا مشارکت‌ها به داده‌ها دسترسی پیدا می‌کنند و آنها را یکپارچه می‌کنند
- پیچیدگی فنی مسئولیت‌پذیری را پنهان می‌کند

نتیجه عدم تقارن واضح است:

بسیاری قابل فهم می‌شوند؛ قدرتمندان نسبتاً مبهم باقی می‌مانند.

## IX. درونی‌سازی: پروفایلینگ و خودتنظیمی رفتار

فراتر از ابعاد نهادی و فناوری آن، صنعتی‌سازی پروفایلینگ تحول روانشناختی عمیقی ایجاد می‌کند. نظارت دیگر صرفاً به عنوان نیروی خارجی عمل نمی‌کند؛ بلکه درونی می‌شود.

این پویایی توسط میشل فوکو در تحلیل پنوپتیکون پیش‌بینی شده بود: طراحی زندان نظری جرمی بن‌تام که در آن زندانیان، قابل مشاهده برای ناظر مرکزی که نمی‌توانند ببینند، انضباط را درونی می‌کنند و رفتار خود را تحت عدم قطعیت مشاهده مداوم تنظیم می‌کنند. قدرت پنوپتیکون نه در مشاهده دائمی بلکه در انتظار آن نهفته است.

پروفایلینگ صنعتی این منطق را به طور چشمگیری گسترش می‌دهد. افراد در محیط‌هایی عمل می‌کنند که اقداماتشان ممکن است ثبت، تحلیل و به شیوه‌های مبهم تفسیر شود — توسط پلتفرم‌هایی که برای تعامل بهینه‌سازی می‌کنند یا دولت‌هایی که ریسک را ارزیابی می‌کنند. نتیجه تغییر به سمت خودتنظیمی است.

این به صورت زیر ظاهر می‌شود:

- خودسانسوری در پست‌ها، جستجوها یا ارتباطات

- اجتناب از گروه‌ها، موضوعات یا مکان‌های خاص
- هم‌راستایی با هنجارهای ادراک‌شده برای به حداقل رساندن امتیازهای ریسک
- تغییر رفتار در زمینه‌های دیجیتال و فیزیکی

به طور حیاتی، این تطبیق‌ها نیازی به اجبار صریح ندارند. آنها از انتظار ناشی می‌شوند.

کنترل نه تنها از طریق آنچه سیستم‌ها انجام می‌دهند، بلکه از طریق آنچه افراد از انجام آن اجتناب می‌کنند، اعمال می‌شود.

تأثیرات فراتر از افراد گسترش می‌یابد. با خودسانسوری و خودمرتب‌سازی مردم، داده‌های تولیدشده الگوها را تقویت می‌کند و پیش‌بینی‌های آینده را شکل می‌دهد. سیستم نه تنها واقعیت را مشاهده می‌کند — بلکه آن را به طور ظریف بازسازی می‌کند و حلقه‌های بازخورد ایجاد می‌کند که انطباق را عادی می‌سازد.

## X. پایان نظارت انتخابی

پروفایلینگ تحول اساسی را تجربه کرده است:

- از هدفمند به جهانی
- از دستی به خودکار
- از **retrospective** به پیش‌بینی‌کننده
- از پراکنده به یکپارچه

سیستم‌های قبلی توسط اصطکاک محدود می‌شدند — هزینه، زمان، توجه انسانی. سیستم‌های صنعتی این محدودیت‌ها را حذف می‌کنند. نظارت محیطی می‌شود. شمول پیش‌فرض می‌شود.

اصل اینکه داده باید فقط به هدف فوری خود خدمت کند، راه را برای پارادایمی هموار کرد که در آن همه داده‌ها بالقوه قابل بهره‌برداری هستند.

## XI. نتیجه‌گیری: قیمت مشارکت

قوس طولانی از رازداری پست به ادغام داده دیجیتال الگویی سازگار را آشکار می‌کند: هر گسترش فناوری دامنه پروفایلینگ را افزایش می‌دهد، در حالی که پاسخ‌های قانونی و اجتماعی عقب می‌مانند. آنچه حال حاضر را متمایز می‌کند ساختاری است. پروفایلینگ دیگر فعالیتی نیست که به افراد خاص هدایت شود — بلکه زیرساختی است که افراد در درون آن وجود دارند.

دسته «فرد مورد علاقه» حل می‌شود. همه در معرض ارزیابی مداوم قرار می‌گیرند.

این تحول نه تنها توسط قدرت دولت، بلکه توسط مشوق‌های اقتصادی حفظ می‌شود. پلتفرم‌هایی که رایگان به نظر می‌رسند از طریق استخراج داده‌های رفتاری عمل می‌کنند. عبارت «اگر برای محصول پرداخت نمی‌کنید، خودتان محصول هستید» حسی را منتقل می‌کند — اما واقعیت را کم‌ارزش می‌کند.

آنچه تولید می‌شود نه فرد، بلکه مدل پیش‌بینی‌کننده فرد است — قابل حمل، قابل اجرا و اغلب غیرقابل دسترسی برای شخصی که نمایندگی می‌کند.

چالش مرکزی در شکاف بین ادراک و واقعیت نهفته است.

اول، مردم تأثیر آنچه شناخته شده را دست‌کم می‌گیرند. پروفایلینگ از طریق ارتباط عمل می‌کند. روابط — گذشته، ضعیف یا غیرمستقیم — می‌توانند نتایج را شکل دهند. ارتباط با کسی که بعداً نامطلوب می‌شود ممکن است بر فرصت‌ها تأثیر بگذارد. فرد نه تنها به عنوان فرد، بلکه به صورت رابطه‌ای قضاوت می‌شود.

دوم، مردم دامنه آنچه قابل شناختن است را دست‌کم می‌گیرند. سیستم‌ها ویژگی‌های حساس — سیاسی، مذهبی، جنسی، اقتصادی — را نه از افشای صریح، بلکه از الگوها استنتاج می‌کنند. این استنتاج‌ها عملیاتی می‌شوند صرف‌نظر از دقت آنها.

افراد نه تنها بر اساس آنچه آشکار می‌کنند، بلکه بر اساس آنچه می‌توان استنتاج کرد — و بر اساس اینکه با چه کسی مرتبط هستند — ارزیابی می‌شوند.

مشارکت در زندگی دیجیتال بنابراین تبادل ضمنی را به همراه دارد: راحتی در برابر **legibility**. این تبادل نه شفاف است و نه قابل مذاکره.

چالش نه توقف داده‌سازی، بلکه محدود کردن آن است — بازگرداندن اصطکاک، اجرای محدودیت‌ها و اطمینان از مسئولیت‌پذیری.

سؤال مرکزی واضح است:

آیا مداخله قبل از آنکه زیرساخت پروفایلینگ دائمی بیش از حد عمیق ریشه بدواند تا به طور معنادار به چالش کشیده شود، رخ خواهد داد؟

در غیاب چنین مداخله‌ای، هزینه مشارکت نه تنها داده‌ها، بلکه فرسایش تدریجی مرز بین مشاهده شدن، استنتاج شدن و در نهایت تعریف شدن است.